

بررسی ارتباط بین رشد اعتقادی با خودپنداره و رفتار شهروندی و مقایسه آنها در دانش‌آموزان دختر و پسر

بهناز مهاجران*

تقی اکبری**

محمد حسنی***

میرنجف موسوی****

مریم سامری*****

چکیده

امروزه یکی از دغدغه‌های اندیشمندان علوم تربیتی موضوع گرایش به معنویت و اخلاق‌مداری دانش‌آموزان و به تبع آن رفتار مناسب شهروندی است، با توجه به اهمیت موضوع، هدف پژوهش حاضر، مقایسه و بررسی ارتباط بین رشد اعتقادی و خودپنداره و رفتار شهروندی در دانش‌آموزان دختر و پسر بود. این یک بررسی پیمایشی از نوع توصیفی-همبستگی و مقایسه‌ای بود. جامعه آماری این پژوهش کلیه دانش‌آموزان متوسطه دوم ناحیه یک اردبیل به تعداد ۱۵۸۲۴ در سال تحصیلی ۹۴-۹۵ بودند که به تعداد ۳۸۰ نفر (۱۹۰ دختر و ۱۹۰ پسر) به روش نمونه‌گیری ساده انتخاب شدند. با حضور در محل تحصیل به پرسشنامه رشد اعتقادی و خودپنداره SCQ و پرسشنامه تربیت شهروندی پاسخ دادند. روایی و پایایی پرسشنامه‌ها در تحقیقات متعدد تأیید شده بود. برای تحلیل داده‌ها از آزمون تحلیل واریانس چند متغیره برای تجزیه و تحلیل آماری همبستگی بین متغیرها و ارتباط آنها از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج نشان داد بین رشد اعتقادی و متغیر خودپنداره و همچنین رفتار شهروندی ارتباط معناداری وجود دارد و از سوی دیگر این متغیرها در بین دانش‌آموزان دختر و پسر تفاوت معناداری وجود دارند. تقویت رشد اعتقادی دانش‌آموزان مدرسه می‌تواند به تقویت خودپنداره و رفتار مناسب شهروندی دانش‌آموزان منجر شود.

واژگان کلیدی: خودپنداره، رشد اعتقادی، رفتار شهروندی، گرایش به دین

Email: artaoo76@gmail.com

Email: T0076@yahoo.com

Email: mhassani101@gmail.com

Email: mousavi424@yahoo.com

Email: M.sameri@urmia.ac.ir

* استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه ارومیه (نویسنده مسئول)

** دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، دانشگاه ارومیه

*** استاد دانشگاه ارومیه

**** استادیار، دانشگاه ارومیه

***** استادیار، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ارومیه؛

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۲/۹ تاریخ تأیید: ۱۳۹۵/۷/۲۴

مقدمه

مهم‌ترین وظیفه نظام آموزشی، آماده ساختن دانش‌آموزان برای کسب دانش، مهارت‌های شناختی و شغلی برای ورود به اجتماع است. توجه به عواملی که منجر به موفقیت تحصیلی افراد می‌شود، اهمیت ویژه‌ای دارد، رشد اخلاقی در سایه دین‌مداری و نهایتاً رسیدن به یک رفتار ایدئال شهروندی در چهارچوب نظام ارزشی جامعه از آرزوهای دیرینه اندیشمندان عرصه تعلیم و تربیت بوده از عوامل مهم در مسیر موفقیت تحصیلی است.

بسیاری از مدیران و معلمان از این گله دارند که با وجود اندرزهای اخلاقی که در کتب درسی دانش‌آموزان گنج‌انیده شده و سخنانی که در خلال برنامه‌های صبحگاهی یا دیگر مراسم مدرسه برای آنان بیان می‌شود و وجود اشعار و جملات زیبای، که با خط خوش بر در و دیوار مدرسه نوشته می‌شود، رفتارهایی مانند تقلب، دروغ‌گویی، بی‌اعتنایی به مقررات، خشونت و پرخاشگری در بسیاری از مدارس مشاهده می‌شود (بازرگان، ۱۳۷۶).

نهادینه شدن اخلاق و رفتار مناسب شهروندی ریشه در عوامل گوناگونی دارد، به‌زعم نگارندگان یکی از این عوامل مؤثر خودپنداره مثبت دانش‌آموزان از خود می‌باشد و ارتباط عزت‌نفس و کرامت انسانی در تحقیقات زیادی تأیید شده است.

از آنجا که دانش‌آموزان گردانندگان فردای جامعه هستند، مطالعه روحیات و نگرش‌های آنان در عرصه‌های گوناگون، خصوصاً به لحاظ دین‌داری و جهت‌گیری دینی و رفتار مناسب شهروندی می‌تواند دورنمایی از وضعیت آتی جامعه به ویژه نگرش مدیران، کارشناسان و گردانندگان فردای جامعه را ترسیم کند.

دین یک سیستم اعتقادات، اعمال و عبادات است که غالباً مشتمل بر مجموعه قواعد اخلاقی و فلسفی می‌شود. دین مجموعه‌ای از باورها و اعتقادات است که به وسیله کلمات بیان شده و به‌صورت اندیشه‌ای منسجم منظم در افکار افراد شکل می‌گیرد، زمانی تداوم و حیات می‌یابد و قابل تشخیص است که جلوه‌هایی از باورها در رفتارهای ظاهری فرد نمایان شود (احدی و محسنی، ۱۳۷۱).

اعتقادات مذهبی با سرنوشت انسان پیوند خورده، جوشش‌های این عقاید در قلب انسان، اصول دیگر زندگی انسان را عمیقاً تحت تأثیر قرار می‌دهد (واخ یو آخیم،^۱ ۱۳۸۰). جنبه‌های معنوی مذهب با تمرکز بر روی هیجانات مثبت، ممکن است با روابط گرم و افزایش حمایت اجتماعی رابطه داشته باشد که هر دو آنها موجب افزایش سطح سلامت روانی فرد می‌شود (وایلنت^۲ و همکاران، ۲۰۰۸، ص ۲۲۱).

1. Joachim Wach

2. G. Vaillat

در سال‌های اخیر دین به‌عنوان یکی از عمده‌ترین متغیرهای مؤثر بر رفتار و حالات روانی افراد مورد توجه بسیاری از متخصصان علوم رفتاری قرار گرفته است تا جایی که برخی دین را عامل اساسی در بهداشت فردی و اجتماعی معرفی کرده‌اند (سهرابی و سامانی، ۱۳۸۰).

پدیده دین‌داری از موضوعات قابل توجهی است که اهمیت آن را می‌توان از کثرت تلاش‌هایی دریافت که در سال‌های اخیر برای ساخت و به‌کارگیری سنجه‌های دین‌داری مصروف شده است. این تلاش‌ها از دل اقتضائات و ضرورت‌های قابل درکی بیرون آمده است که نمی‌توانست بی‌پاسخ باقی بماند. ضرورت این مطالعات به‌طور عام بر خواسته از نفوذ و اعتباری است که هنوز دین برای انسان و اجتماع دارد (شجاعی‌زند، ۱۳۸۴، ص ۳۵). دین اصل وحدت‌بخش و زمینه‌مشارکتی را فراهم ساخته، به انسان اجازه می‌دهد تا با فائق آمدن بر تمایلات خودخواهانه خود و به خاطر عشق به همنوعانشان فراتر از این خودخواهی‌ها عمل کند.

وقتی می‌خواهند انسان را به اخلاق حسنه یا ارزش‌های عالی انسانی سوق دهند، او را به یک نوع درون‌نگری متوجه می‌کنند که خودت را، آن خود عقلانی را، آن حقیقت وجودی خودت را، با درون‌نگری کشف کن، آنگاه احساس می‌کنی که شرافت خودت را دریافته‌ای. وقتی انسان را به باطن ذاتش سوق می‌دهند، شرافت و کرامت خویش را احساس می‌کنند، یعنی احساس می‌کنند که پستی، دروغ‌گویی، نفاق و فحشا با آن سازگار نیست. این است که انسان با نوعی معرفه‌الذات، با توجه به نفس، الهامات اخلاقی را دریافت می‌کند و این الهامات این‌طور نیست که حتماً کسی درسی به گوش انسان گفته باشد، بلکه همان درک «خود» کافی است، برای این دستور که انسان این کار را باید بکند و آن کار را نباید بکند و این است معنی آیات: «وَنَفْسٍ وَ مَا سَوَّاهَا، فَأَلَّهَمَّهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا، قَدْ أَفْلَحَ مَنْ رَكَّاهَا وَ قَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا» (مطهری، ۱۳۷۱، ص ۲۳۷).

تحلیل‌های نظری بیانگر آن است که در جوامع در حال گذار دین‌داری یکی از متغیرهای اجتماعی است که دستخوش تحولات گسترده‌ای می‌شود (دورکیم، ۱۳۸۱ و ۱۳۸۳؛ برگر و لاکمن، ۱۳۷۵). دین‌داری در جامعه ایران هم از این تحول مستثنا نیست. پیتز برگر^۱ این تغییرات را نخستین بار در مهم‌ترین نهادهای حامل مدرنیته (اقتصاد، صنعت، دولت و...) دنبال می‌کند (همان، ۱۹۶۷).

اسلامی و همکاران نیز به بررسی رابطه بین افسردگی و نگرش‌های مذهبی در دانش‌آموزان پرداختند. نتایج تحقیق آنها نیز مؤید وجود رابطه معکوس میان شدت افسردگی و نمره‌های آزمون نگرش‌های مذهبی بود. از دیگر یافته‌های این پژوهش آن بود که تفاوت معناداری در میزان جهت‌گیری مذهبی و افسردگی در دانش‌آموزان دختر و پسر وجود ندارد (چراغی و موسوی، ۱۳۸۵).

1. Peter L. Berger

در پژوهشی که نجفی انجام داد، مشخص شد که میان دین‌داری دختران و پسران تفاوت معناداری وجود دارد، به این معنا که دختران بیشتر از پسران پایبند به مذهب هستند و باورهای مذهبی بالاتری دارند (نجفی، ۱۳۸۲).

در بعضی از پژوهش‌ها، گزارش شده که شدت نگرش‌های مذهبی در زنان بیشتر از مردان است (بتی و آرگیل،^۱ ۱۹۹۷). برای نمونه، دانا هیو^۲ از نظر نگرش‌های مذهبی و فرارو و کلی-مور^۳ از نظر درخواست مشاوره مذهبی، بین دو جنس تفاوت معناداری یافتند. قوی‌تر بودن نگرش‌های مذهبی در زنان در چند پژوهش داخلی نیز به دست آمده است.

خانواده و مدرسه از جمله مهم‌ترین نهادهای اجتماعی مؤثر در رشد و تربیت دینی دانش‌آموزان به شمار می‌آیند و دانش‌آموزان در محیط خانواده به صورت مستقیم تحت تأثیر اعتقادات مذهبی والدین خود قرار دارند، در کنار خانواده مدرسه نیز به عنوان یک نهاد مهم نقش بسزایی در باروری اعتقادات مذهبی دانش‌آموزان دارد، به گونه‌ای که معلمان از طریق عملکرد مناسب خود در کلاس درس نگرش محصلان را نسبت به دین و به طور کلی زندگی و مسائل ناشی از آن تحت تأثیر قرار می‌دهند و از این رهگذر نقش مؤثری در ایجاد نگرش‌های مثبت دینی در دانش‌آموزان ایفا می‌کنند. سراج‌زاده در تحقیق خود با عنوان «نگرش‌ها و رفتارهای دینی نوجوانان تهرانی و دلالت‌های آن برای نظریه سکولار شدن» ابعاد دین‌داری را در بین دانش‌آموزان شهر تهران بررسی کرده است. گرایش‌های کلی دین‌داری در میان دانش‌آموزان نمونه تحقیق در سطح بالایی قرار دارد، بررسی ابعاد دین‌داری به تفکیک بیانگر قوت بیشتر در بعد اعتقادی و پس از آن بعد عاطفی دین‌داری در بین پاسخگویان است، محقق نتیجه می‌گیرد که دین‌داری به سمت شخصی شدن گرایش یافته و نفوذ نگرش نهادهای سنتی دینی کاهش پیدا کرده است. به طور مشخص ۹۰ درصد گفته‌اند که در مراسم عبادی جمعی هرگز شرکت نمی‌کنند یا به ندرت شرکت می‌کنند (سراج‌زاده، ۱۳۷۴).

طالبی و ابوترابی با هدف بررسی «عملکرد دینی دانشجویان و نمادهای دین‌داری در میان دانشجویان دختر» شناسایی عملکرد دینی دانشجویان و میزان پایبندی دانشجویان دختر به رعایت نمادهای دین‌داری پژوهشی انجام دادند که در آن اکثریت دانشجویان در دو بعد دین‌داری (مناسکی و نمادی)، مذهبی هستند، اما عملکرد دینی دانشجویان مختلف با یکدیگر متفاوت بوده و میزان پایبندی پاسخگویان بسته به نوع اعمال و احکام مذهبی بوده است (طالبی و ابوترابی، ۱۳۷۴).

اورنگی در تحقیق خود با عنوان «بررسی عوامل مؤثر در کم‌توجهی دانش‌آموزان دوره متوسطه در استان مرکزی نسبت به مسائل مذهبی» عوامل مؤثر در کم‌توجهی دانش‌آموزان دوره متوسطه

1. Beti & Argyle

2. Donahu

3. Ferraro, K. F. & Kell-Moore

نسبت به دین و مسائل دینی را بررسی کرده است. عوامل مذکور عبارت‌اند از: رفتارهای فرهنگی؛ اجتماعی و اقتصادی حاکم بر جامعه؛ رفتارهای فرهنگی و اجتماعی حاکم بر مدرسه و رفتارهای فرهنگی؛ اجتماعی و اقتصادی حاکم بر خانواده. از بین این عوامل پنج عامل، رفتارهای اجتماعی جامعه، فرهنگی مدرسه، فرهنگی خانواده، اجتماعی مدرسه و رفتارهای فرهنگی جامعه به ترتیب بیشترین سهم را در تبیین کم‌توجهی دانش‌آموزان نسبت به مسائل مذهبی به خود اختصاص داده‌اند (اورنگی، ۱۳۸۲).

طالبان با نگاه پژوهشی به جامعه‌پذیری مذهبی و سیاسی نسل جدید به نتایج ذیل دست یافته است: از حیث دین‌داری اولیه مشکل حادی در بین جوانان وجود ندارد، ولی در زمینه تعهد و تعلق سیاسی نسل جوان مشکلات اساسی وجود دارد. نمره‌های دین‌داری پاسخ‌گویان در ابعاد انضمامی دین‌داری که متضمن عمل در دو بعد مناسکی و پیامدی است، پایین است و اکثریت قریب به اتفاق در دو بعد انتزاعی‌تر و لطیف‌تر که ناظر بر اعتقادات و عواطف دینی است نمره‌های بالایی دارند که نشانگر حداکثر دین‌داری یا تعهد مذهبی بسیار قوی آنهاست (طالبان، محمدرضا، ۱۳۷۸).

در پژوهشی که همایون فرد انجام داد، مشخص شد که بین نوجوانان دختر و پسر تفاوت معناداری در زمینه ارزش‌های دینی، سیاسی، فطری، اجتماعی و هنری وجود دارد. بنابر این نتایج، دختران به ترتیب در ارزش‌های دینی، سیاسی، فطری، هنری و اقتصادی در اولویت‌اند (خانه‌کشی و پورنیک بختی، ۱۳۸۷).

در پژوهش نجفی مشخص شد میان دین‌داری دختران و پسران تفاوت معناداری وجود دارد و دختران به مراتب بیشتر از پسران پایبند به مذهب هستند و باورهای مذهبی بالاتری دارند (نجفی، ۱۳۸۲). خانه‌کشی (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان «رابطه التزام عملی به اعتقادات مذهبی با سلامت روانی و هویت‌یابی دانشجویان دختر و پسر» نشان داد که بین دانشجویان دختر و پسر از لحاظ التزام عملی به اعتقادات مذهبی تفاوت معناداری وجود دارد. بر اساس نتایج این پژوهش، نمره‌های معیار لزوم عمل بر اساس اعتقادات مذهبی در دانشجویان مؤنث به‌طور معناداری بیشتر از دانشجویان مذکر بود، ولی بین سلامت روانی دانشجویان دختر و پسر تفاوت معناداری ملاحظه نشد.

تحقیقی با عنوان خودپنداره و رشد دینی و مذهبی تا آنجا که نگارندگان تلاش کردند فاقد پیشینه در داخل و خارج کشور است، برای همین اجرای این تحقیق ضروری به نظر می‌رسد. مفهوم «خود»^۱ و مطالعه آن در طول تاریخ بشری همواره مورد توجه انسان بوده و فیلسوفان، متفکران و شاعران در این باره بسیار اندیشیده و نگاشته‌اند.

1. self

ویلیام جیمز^۱ یکی از نخستین تحلیل‌های روان‌شناختی را از «خود» در کتاب معروف اصول روان‌شناسی عرضه کرده است. او معتقد است که «خود» دارای دو جنبه است: ادراک‌کننده و ادراک‌شده. امروز به جنبه ادراک‌کننده «خودآگاهی» و به جنبه «ادراک‌شده» خودپنداره گفته می‌شود (سلیمانی و ابهری، ۱۳۹۳).

امروزه توجه به خود و خودپنداره یکی از موضوعات مهم قابل بحث در روان‌شناسی است. نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد که تصور و پندار شخص نسبت به خود تا حدود زیادی جهت‌دهنده و تعیین‌کننده رفتار است. به دیگر سخن، میدان فعالیت ما را در زندگی خودپنداره ما مشخص می‌کند (کاظمی و همکاران، ۱۳۸۲).

خودپنداره شامل نگرش‌ها، احساسات و دانش ما درباره توانایی، مهارت و قابلیت پذیرش اجتماعی است. خودپنداره همه ابعاد شناختی، ادراکی، عاطفی و رویه‌های ارزیابی را دربر می‌گیرد. بنابراین، مجموعه نگرش‌های شخص به خود را خودپنداره می‌نامند. متفکران، به‌ویژه در قرن حاضر، بر این باورند که صرفاً انسان دارای تجربه خودپنداره است و تجربه روان‌شناختی منحصر به انسان است (حسن‌زاده و همکاران، ۱۳۸۴).

خودپنداره یک رشته صفات،^۲ توانایی‌ها،^۳ نگرش‌ها^۴ و ارزش‌هایی^۵ است که فرد معتقد است او را توصیف می‌کنند خودپنداره، دید جامع فرد درباره خودش است که با تجربه فرد و تفسیر دیگران از آن تجربه شکل می‌گیرد و متحول می‌شود (خرازی، به نقل از: کاوسیان و کدیور، ۱۳۸۴، ص ۹۷). مفهوم خودپنداره الگویی سازمان‌یافته و پایدار از ادراکات را بیان می‌کند (پروین،^۶ ۱۳۷۲، ص ۲۰۸). رگرس^۷ معتقد است: خودپنداره مجموعه ویژگی‌هایی است که شخص به‌عنوان یک موجود منحصر به فرد از خود درک می‌کند (دیباچ‌نیا، ۸۳، ص ۲). خودپنداره بازنمای ذهنی فرد از خودش است (ریو،^۸ ۱۳۸۱، ص ۲۴۶).

خودپنداره ارزشیابی کلی فرد از شخصیت خویش است. این ارزشیابی ناشی از ارزشیابی‌های ذهنی‌ای است که معمولاً از ویژگی‌های رفتاری خود به عمل می‌آوریم. در نتیجه خودپنداره ممکن است مثبت یا منفی باشد (از دیدگاه آدلر،^۹ ۱۹۵۴) تقی‌زاده، ۱۳۷۹، ص ۲۱).

آموزش و پرورش در رسیدن به اهداف و آرمان‌هایش زمانی موفق خواهد بود که بتواند شهروندانی آگاه، مسئول و خلاق پرورد و این امر میسر نیست، مگر از طریق آموزش بهینه شهروندی و نیز ارتقای

1. William James
3. Abilities
5. Values
7. Rogers
9. Adler

2. Traits
4. Attitudes
6. Pervin
8. Reeve

فرهنگ شهروندی. مفهوم تربیت شهروندی، مفهومی کلی است که به مطالعات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و فنی در جامعه وابسته است و می‌توان آن را به آموزش شیوه‌های زندگی کردن با یکدیگر به‌طور خاص در یک جامعه و به‌طور عام در جامعه جهانی اطلاق کرد.

تربیت شهروندی یکی از مهم‌ترین و چالش‌زاترین وظایف نظام‌های آموزشی به‌شمار می‌رود، به نحوی که در بسیاری از کشورهای جهان، این فعالیت بخش عظیمی از دغدغه‌های مسئولان آموزشی را تشکیل می‌دهد (وزیری و جهانی، ۱۳۸۵).

شهروندی در حقیقت مجموعه‌ای از ارتباطات عمده میان مردمی است که می‌خواهند از «حالت طبیعی»، یعنی حالتی که زندگی به‌صورت منزوی، فقیرانه و حیوانی جریان دارد، اجتناب ورزند. از این‌رو، شهروندی، نوعی قرارداد اجتماعی است که هدف اصلی آن ارتقای رفاه و امنیت در سطح جامعه است و ضرورتاً به این امر می‌پردازد که افراد یک جامعه چگونه باید رفتار کنند تا به این هدف برسند. بنابراین، اگر جامعه به شهروندان مفید و مؤثر نیاز دارد، پس باید مطمئن شود که این شهروندان از طریق فرصت‌هایی برای اکتساب مهارت‌ها توانایی‌ها و اطلاعات ضروری تربیت می‌شوند.

چالش تربیت شهروندی در دو بحث اساسی ریشه دارد: نخست، رابطه‌ای که بین فرد و نظام اجتماعی وجود دارد؛ دوم، صورت‌ها و انواع تعاملی که بین آموزش و پرورش و نظام اجتماعی در هر جامعه موجود است یا ممکن است به وجود آید. از این‌رو، بحث تربیت شهروندی و رفتار متناسب شهروندی در نظام‌های آموزش و پرورش جایگاه ویژه‌ای دارد.

در یک چشم‌انداز ملی، فلسفه اصلی تربیت شهروندی، دستیابی به مقاصدی چون وفاداری به ملت، افزایش دانش و آگاهی افراد از تاریخ و ساختار مؤسسات سیاسی، ایجاد نگرش مثبت نسبت به قدرت و اقتدار سیاسی، تسلیم شدن در مقابل قانون و هنجارهای اجتماعی، اعتقاد به ارزش‌های بنیادین جامعه، مانند تساوی و برابری، علاقه به مشارکت سیاسی و مهارت در تجزیه و تحلیل ارتباطات سیاسی است.

خیر و شیخ‌الاسلامی (۱۳۸۱) در پژوهش خود گزارش کردند که دانش‌آموزان دختر در مقایسه با دانش‌آموزان پسر، اضطراب و افسردگی بیشتر و کارکرد اجتماعی بیشتری دارند، همچنین دانش‌آموزان دختر از سلامت عمومی کمتری برخوردارند.

افزون بر این، پژوهش‌های دیگری به بررسی نقش تفاوت‌های جنسی در سلامت روان‌شناختی پرداخته‌اند. آپلتون^۱ و همکارانش (۱۹۹۷)، احساس خودارزشی و علائم افسردگی را در دختران و پسران ۹ تا ۱۸ ساله مطالعه کردند. نتایج مطالعه آنها بیانگر آن بود که دختران، احساس خودارزشی

1. Appleton

کمتر و علائم افسردگی بیشتر می‌دارند، اما سامانی (۱۳۸۱) با مقایسه میزان سازگاری دختران و پسران نشان داد که اگرچه دختران در مقایسه با پسران احساس فشار و اضطراب بیشتری را تجربه می‌کنند، به لحاظ میزان افسردگی تفاوت معناداری میان این دو گروه وجود ندارد.

در تحقیق دیگری، آلفد و سیگلمن^۱ (۱۹۹۸) به بررسی تفاوت‌های جنسی در سازگاری با محیط دانشگاه، خودپنداره واقعی، خودپنداره ایدئال و علائم افسردگی پرداختند. این محققان تعدادی از دانش‌آموزان را پیش از ورود به دانشگاه تا پایان سال اول دانشگاه مورد مطالعه قرار دادند. نتایج حاکی از آن بود که پیش از ورود به دانشگاه، در خودپنداره دختران و پسران هیچ تفاوتی وجود ندارد، اما پس از ورود به دانشگاه خودپنداره پسران مثبت‌تر می‌شود، همچنین دختران در مقایسه با پسران بعد از ورود به دانشگاه افسردگی بیشتری را نشان می‌دادند.

اوهانسیان^۲ و همکاران (۱۹۹۶) نیز از مقایسه خودپنداره سلامت عمومی دختران و پسران کلاس ششم و هفتم دریافتند که پسران نسبت به دختران دارای احساس خودارزشی بیشتر، رضایت بیشتر از ظاهر فیزیکی، اضطراب و افسردگی کمتر می‌باشند.

گوردون و گرین^۳ با بازنگری نتایج ۲۵۰۰ مطالعه در مورد خودپنداره به این نتیجه رسیدند که این مفهوم ارتباط معناداری با بسیاری از جنبه‌های مهم رفتار انسان از جمله سازگاری عمومی دارد (کاظمی، ۱۳۸۲).

رابینسون و همکارانش دریافتند که سطوح بالای خودپنداره و عزت‌نفس به‌طور معناداری با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دبیرستانی رابطه دارد (حسن‌زاده و همکاران، ۱۳۸۴). کمپل و بلدسو^۴ دریافتند که ارتباط قوی بین خودپنداره و میزان موفقیت در پسران نسبت به دختران وجود دارد. مطالعه بام و همکارانش نشان داد که دختران نسبت به پسران از خودپنداره بالاتری برخوردارند (خلیلی، ۱۳۷۵).

تا آنجا که نگارندگان جستجو کردند، تحقیقی که به‌طور مستقیم به ارتباط بین رشد اعتقادی و خودپنداره و رفتار شهروندی بپردازد، انجام نشده است و فضا برای کار در این مورد گسترده است.

1. Alfred & Sigelman

2. Ohannessian

3. Gordon & Geren

4. Kampel & Beldso

روش

این پژوهش از نوع علی-مقایسه‌ای است و به نوعی پس‌رویدادی است. جامعه آماری این پژوهش همه دانش‌آموزان دختر و پسر متوسطه دوم ناحیه یک اردبیل بود که با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۰ نفر از آنها به شیوه تصادفی ساده از میان ۷۲۴ کلاس انتخاب شدند، ۱۹۰ نفر دختر و ۱۹۰ نفر پسر در این پژوهش حضور داشتند.

ابزار پژوهش

در این پژوهش، به منظور آزمون فرضیه‌های تحقیق، از پرسشنامه خودپنداره SCQ استفاده شد، این پرسشنامه توسط کارال راجرز^۱ به منظور سنجش میزان خویش‌پنداری افراد تهیه شده است. این آزمون شامل دو فرم است که در هر دو آنها مجموعه‌ای یکسان از ۲۵ زوج صفت شخصیتی متضاد ارائه شده است که آزمودنی در پاسخ‌گویی به فرم نخست بر اساس اینکه خود را چگونه می‌بیند و در فرم دوم چگونه می‌خواهد باشد توصیف می‌کند. در این آزمون بالا بودن خودپنداره به معنای تطابق نداشتن بین خود واقعی و خود آرمانی است. ضریب پایایی این آزمون در پژوهش آقاجانی ۸۳ درصد و پایایی آن به روش کرونباخ برابر ۸۱ درصد گزارش شده است. همچنین برای بررسی روایی آن از پرسشنامه خودپنداره «بک» استفاده شده است. پرسشنامه خودپنداره دارای شش بعد جداگانه است، یعنی خودپنداره، جسمانی، اجتماعی، عقلانی، اخلاقی، آموزشی و خلق‌و‌خو. همچنین از مجموع آنها نمره خودپنداره کلی به دست می‌آید.

تعاریف عملیاتی ابعاد خودپنداره که در این پرسشنامه اندازه‌گیری می‌شوند عبارتند از:

جسمانی: تصور فرد از بدن، سلامت، ظاهر جسمانی و قدرت بدنی خودش؛

اجتماعی: احساس ارزش شخصی در تعامل‌های اجتماعی؛

خلق‌و‌خو: تصور فرد از حالت عاطفی معمول یا تسلط نوع خاصی از واکنش عاطفی؛

آموزشی: تصور فرد از خود در ارتباط با مدرسه، معلمان و فعالیت‌های فوق برنامه؛

اخلاقی: تخمین فرد از ارزش اخلاقی فرد، کارهای درست و نادرست؛

عقلانی: آگاهی فرد از هوش و استعداد حل مسئله و داورهای خودش.

برای سنجش رشد اعتقادی از پرسشنامه زارع (۱۳۹۰) استفاده شد. این پرسشنامه دارای ۲۶ پرسش است که در همه سؤال‌ها به گزینه‌های خیلی زیاد، زیاد، کم، خیلی کم و اصلاً به ترتیب نمره ۴، ۳، ۲، ۱ و ۰ داده می‌شود. حداقل نمره برای کل آزمون ۰ و حداکثر آن ۱۰۴ است. نمره بالا

1. Karal rogers

در این آزمون نشان‌دهنده اعتقادات دینی بالا و نمره پایین نشان‌دهنده اعتقادات دینی پایین است. کسانی که بیش از سه سؤال پاسخ نداده بودند، پاسخ‌نامه آنها از تجزیه و تحلیل حذف شد. عامل‌های (ابعاد) این پرسشنامه در جدول شماره ۱ ارائه شده است:

جدول ۱: عامل‌های فرم نهایی آزمون اعتقادات دینی

عامل	نام عامل	سؤال
۱	مشارکت دینی	۱۱-۱
۲	پایبندی به اعتقادات دینی	۱۸-۱۲
۳	رعایت مسائل شرعی	۲۶-۱۹

همچنین برای سنجش رفتار شهروندی از پرسشنامه تربیت شهروندی تابش (۱۳۹۱) استفاده شد، این پرسشنامه دارای ۱۸ سؤال بوده و هدف آن بررسی تربیت شهروندی افراد در ابعاد گوناگون (قانون‌گرایی، روحیه مشارکت‌جویی، مسئولیت‌پذیری، اعتماد به نفس) است. در پایان‌نامه تابش (۱۳۹۱) رویی صوری این پرسشنامه به تأیید دو تن از استادان گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور رسیده، همچنین پایایی پرسشنامه یا قابلیت اعتماد آن با استفاده از روش اندازه‌گیری آلفای کرونباخ محاسبه شده است. معمولاً دامنه ضریب اعتماد آلفای کرونباخ از صفر (۰) به معنای عدم پایداری، تا مثبت یک (+۱) به معنای پایایی کامل قرار می‌گیرد و هرچه مقدار به دست آمده به عدد مثبت یک نزدیک‌تر باشد قابلیت اعتماد پرسشنامه بیشتر می‌شود. آلفای کرونباخ برای پرسشنامه تربیت شهروندی در جدول زیر ارائه شده است:

جدول ۲: مقدار آلفای کرونباخ در پرسشنامه تربیت شهروندی

بعد	آلفای کرونباخ
قانون‌گرایی	۰/۷۱
روحیه مشارکت‌جویی	۰/۵۹
مسئولیت‌پذیری	۰/۶۶
اعتماد به نفس	۰/۶۸

امتیازات را از ۱۸ سؤال پرسشنامه جمع شده که حداقل امتیاز ممکن ۱۸ و حداکثر ۹۰ خواهد بود. نمره بین ۱۸ تا ۳۶: تربیت شهروندی فرد، ضعیف است؛ نمره بین ۳۶ تا ۵۴: تربیت شهروندی فرد، متوسط است؛ نمره بالاتر از ۵۴: تربیت شهروندی فرد، قوی است (تابش، ۱۳۹۱).

برای رعایت اخلاق پژوهش، پرسشنامه‌ها با اجازه رسمی سازمان آموزش و پرورش استان اردبیل و با رضایت دانش‌آموزان تکمیل شد. تکمیل پرسشنامه‌ها به صورت بی‌نام، و به صورت محرمانه انجام شد. پرسشنامه‌ها در قالب گروه‌های کلاسی اجرا شد و تکمیل آنها در زمانی حدود ۳۰ دقیقه صورت گرفت. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از تحلیل واریانس چند متغیره استفاده شد. تحلیل واریانس چند متغیره^۱ با بررسی تفاوت بین گروه‌ها سروکار دارد، در تحلیل واریانس چند متغیره با بیش از یک متغیر وابسته سروکار داشته و سعی می‌کند تا به بررسی و سنجش تفاوت گروه‌ها بر اساس چندین متغیر وابسته کمی به طور هم زمان بپردازد.

نتایج و یافته‌ها

یافته‌های توصیفی این پژوهش شامل شاخص‌های آماری، مانند میانگین، حداکثر و حداقل نمرات تغییرها، انحراف معیار و فراوانی آزمودنی‌ها در جدول شماره ۳ ارائه شده است. همان‌طور که در جدول شماره ۳ دیده می‌شود میانگین و انحراف از معیار در متغیر خودپنداره در مجموع آزمودنی‌ها به ترتیب برابر ۱۶۳/۲۰۳۲ و ۲۲/۷۴۶ است. در متغیر رشد اعتقادی نیز میانگین و انحراف معیار کل نمونه برابر ۱۷۵/۲۵۳۶ و ۲۳/۸۵۴ و در متغیر رفتار شهروندی نیز میانگین و انحراف معیار به ترتیب ۱۵۹/۶۱۵۴ و ۲۳/۷۸۶ به دست آمده است.

جدول ۳: میانگین، انحراف معیار، حداقل و حداکثر نمره آزمودنی‌ها در متغیرهای تحقیق

متغیر	شاخص آماری آزمودنی‌ها	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر	تعداد
خودپنداره	دانش‌آموز دختر	۱۶۸/۲۱۳۵	۲۱/۷۲۷	۸۶	۲۳۵	۱۹۰
	دانش‌آموز پسر	۱۵۸/۱۹۳۵	۲۲/۶۸۱	۷۵	۲۲۰	۱۹۰
	کل دانش‌آموزان	۱۶۳/۲۰۳۲	۲۲/۷۴۶	۷۵/۰۰	۲۳۵/۰۰	۳۸۰
رشد اعتقادی	دانش‌آموز دختر	۹۲/۴۷۵۲	۲۲/۴۲۸	۸۵	۱۰۲	۱۹۰
	دانش‌آموز پسر	۸۲/۷۸۱۲	۲۳/۷۱۵	۷۳	۹۲	۱۹۰
	کل دانش‌آموزان	۱۷۵/۲۵۳۶	۲۳/۸۵۴	۷۳/۰۰	۱۰۲/۰۰	۳۸۰
رفتار شهروندی	دانش‌آموز دختر	۸۰/۲۷۳۶	۲۲/۵۶۴	۵۹	۸۸	۱۹۰
	دانش‌آموز پسر	۷۹/۳۴۳۲	۲۳/۳۴۸	۴۶	۷۴	۱۹۰
	کل دانش‌آموزان	۱۵۹/۶۱۵۴	۲۳/۷۸۶	۴۶/۰۰	۸۸/۰۰	۳۸۰

پژوهش حاضر شامل فرضیه‌های زیر است:

فرضیه اول: بین میزان رشد اعتقادی با خودپنداره و رفتار مناسب شهروندی دانش‌آموزان ارتباط

وجود دارد؛

فرضیه دوم: بین میزان رشد اعتقادی دانش‌آموزان دختر و پسر تفاوت وجود دارد؛

1. MANOVA

فرضیه سوم: بین میزان خودپنداره دانش آموزان دختر و پسر تفاوت وجود دارد؛
فرضیه چهارم: بین میزان رفتار شهروندی دانش آموزان دختر و پسر تفاوت وجود دارد.

جدول ۴: ماتریس همبستگی بین زیرمؤلفه‌های رشد اعتقادی با خودپنداره دانش آموزان

ردیف	متغیر	r	sig ^f	R ²
۱	مشارکت دینی	./۲۰۲	./۰۱۱	./۰۴۰
۲	پایبندی اعتقادات دینی	./۱۵۲	./۰۱۳	./۰۳۰
۳	رعایت مسائل شرعی	./۲۵۵	./۰۰۱	./۰۶۵

یافته‌های مندرج در جدول ۴ نشان می‌دهد همبستگی مثبت و معناداری بین زیرمؤلفه‌های متغیر رشد اعتقادی با خودپنداره وجود دارد، یعنی هرچه میزان مشارکت دینی دانش آموزان و پایبندی به اعتقادات دینی و از سوی دیگر رعایت مسائل شرعی بالاتری داشته باشد، خودپنداره مثبت بالاتری خواهند داشت، این می‌تواند در عملکرد تحصیلی آنها نیز مؤثر واقع شود.

جدول ۵: ماتریس همبستگی بین زیرمؤلفه‌های رشد اعتقادی با رفتار شهروندی

ردیف	متغیر	r	sig ^f	R ²
۱	مشارکت دینی	./۲۰۲	./۰۱۱	./۰۴۰
۲	پایبندی اعتقادات دینی	./۰۹۴	./۲۳۱	./۰۰۹۲
۳	رعایت مسائل شرعی	./۲۵۵	./۰۰۱	./۰۶۵

یافته‌های مندرج در جدول ۵ نشان می‌دهد همبستگی مثبت و معناداری بین زیرمؤلفه‌های مشارکت دینی و رعایت مسائل شرعی متغیر رشد اعتقادی با متغیر رفتار شهروندی وجود دارد، ولی بین زیرمؤلفه پایبندی به اعتقادات دینی و رفتار شهروندی ارتباط معناداری مشاهده نشد. مشارکت دینی و رعایت مسائل شرعی می‌تواند در تربیت شهروندی مناسب برای جامعه نقش ایفا نماید. بنابراین فرضیه اول، «بین میزان رشد اعتقادی با خودپنداره و رفتار مناسب شهروندی دانش آموزان ارتباط وجود دارد»، تأیید می‌شود؛

جدول ۶: نتایج اثرات بین آزمودنی‌ها از لحاظ نمره‌های خودپنداره، رشد اعتقادی، رفتار شهروندی، دانش آموزان دختر و پسر

متغیرها	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری (p)	مجذوراتا	توان مشاهده شده
خودپنداره	۳۴۱۲۴/۱۷۱	۱	۳۴۱۲۴/۱۷۱	۵۴/۵۹۴	./۰۰۰۰۱	./۰۱۸۱	۱/۰۰۰
رشد اعتقادی	۳۱۷۸۴/۲۴۵	۱	۳۱۷۸۴/۲۴۵	۴۵/۰۸۰	./۰۰۰۰۱	./۰۱۵۴	۱/۰۰۰
رفتار شهروندی	۳۱۶۲۵/۱۲۸	۱	۳۱۶۲۵/۱۲۸	۵۳/۵۵۴	./۰۰۰۰۱	./۰۱۷۸	۱/۰۰۰

فرضیه دوم: بین میزان رشد اعتقادی دانش‌آموزان دختر و پسر تفاوت وجود دارد. با توجه به یافته‌های مندرج در جدول ۴ و ۳ مشاهده می‌شود که بین دانش‌آموزان دختر و پسر از نظر رشد اعتقادی تفاوت معناداری وجود دارد ($F=45/080$, $p=0/0001$). بنابراین، فرضیه دوم نیز تأیید می‌شود، یعنی با توجه به میانگین نمره‌های دانش‌آموزان دختر در متغیر رشد اعتقادی (میانگین $92/4752$ و انحراف معیار $22/428$)، و میانگین نمره‌های دانش‌آموزان پسر (میانگین $82/7812$ و انحراف معیار $23/715$)، دانش‌آموزان دختر نسبت به دانش‌آموزان پسر از رشد اعتقادی بیشتری برخوردارند.

فرضیه سوم: بین میزان خودپنداره دانش‌آموزان دختر و پسر تفاوت وجود دارد. با توجه به مندرجات جدول ۴، نتایج حاصل از آزمون اثرات بین آزمودنی‌ها، می‌توان نتیجه گرفت که بین دانش‌آموزان دختر و پسر از لحاظ میزان خودپنداره تفاوت معناداری وجود دارد ($F=54/594$, $p=0/0001$). به دیگر سخن بهتر، با توجه به میانگین دانش‌آموزان دختر (میانگین $168/2135$ و انحراف معیار $21/727$) و میانگین دانش‌آموزان پسر (میانگین $158/1935$ و انحراف معیار $22/681$) دانش‌آموزان دختر از خودپنداره بهتری نسبت به پسران برخوردارند. بنابراین، فرضیه سوم تأیید می‌شود.

فرضیه چهارم: بین میزان رفتار شهروندی دانش‌آموزان دختر و پسر تفاوت وجود دارد. با توجه به نتایج جدول ۴ ملاحظه می‌شود که بین دانش‌آموزان پسر و دختر از لحاظ رفتار مناسب شهروندی تفاوت معناداری وجود دارد ($F=53/554$, $p=0/0001$). بنابراین، فرضیه چهارم نیز تأیید می‌گردد. به عبارتی با توجه به میانگین نمره‌های دانش‌آموزان دختر در جدول ۳ (میانگین $79/3432$ و انحراف معیار $22/564$) و میانگین نمره‌های دانش‌آموزان پسر (میانگین $79/3432$ و انحراف معیار $23/348$)، دانش‌آموزان دختر از نظر رفتار مناسب شهروندی وضعیت بهتری نسبت به دانش‌آموزان پسر دارند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی پژوهش حاضر یافتن ارتباط معنادار بین متغیر رشد اعتقادی و متغیرهای خودپنداره و رفتار مناسب شهروندی و تفاوت معنادار متغیرهای خودپنداره و رشد اعتقادی و رفتار شهروندی بین دختران و پسران دانش‌آموز بود. بر اساس یافته‌های این پژوهش میان رشد اعتقادی با دو متغیر دیگر رابطه معناداری وجود دارد و از سوی دیگر، بین دانش‌آموزان دختر و پسر از نظر خودپنداره تفاوت معناداری وجود دارد، دانش‌آموزان دختر خودپنداره مثبت بیشتری نسبت به پسر دارند، دانش‌آموزان

دختر نسبت به هم‌تایان پسر خودپنداره بالاتری دارند، ضمن اینکه دانش‌آموزان پسر اطمینان تحصیلی بیشتری از هم‌تایان دختر خود دارند. سالیوان^۱ (۲۰۰۹) در تحقیق خود نشان داده، خودپنداره کلی دانش‌آموزان دختر نسبت به پسران پایین نمی‌آید، بلکه در دروس خاصی مثل ریاضی و علوم تجربی ممکن است، کاهش پیدا کند، اما دختران در زبان خودپنداره بالاتری کسب می‌کنند، ضمن اینکه مدارس غیرمختلط این شکاف به وجود آمده بین خودپنداره دو جنس را می‌تواند کاهش بدهد. خودپنداره مثبت کلید رشد و سازندگی فردی و اجتماعی است؛ تصویری که شخص از وحدت و یکپارچگی وجود خویشتن دارد، نحوه‌ای که خود را می‌بیند، مجموعه ویژگی‌هایی که با خود در ارتباط است و استنباط‌هایی که از مشاهده خود در بسیاری از موقعیت‌ها به عمل آورده است و الگوی خاصی که او را توصیف می‌کند، بیانگر مفهوم «خود» است. ارتباط خودپنداره با پیشرفت تحصیلی، رشد شخصیتی، عزت‌نفس و اعتماد به نفس در تحقیقات متعددی تأیید شده است. می‌توان با تقویت خودپنداره دانش‌آموزان در مدارس راه را برای رشد شخصیتی دانش‌آموزان فراهم کرد.

وضعیت و طبقه اقتصادی-اجتماعی، خودپنداره فرزندان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. طبق پژوهش‌های انجام شده، فرزندان طبقات پایین اقتصادی-اجتماعی از خودپنداره منفی و ضعیفی دارند و عکس این نیز صادق است، اما آنچه مهم‌تر از فقر اقتصادی-اجتماعی است، طرز برخورد با فقر است. از این رو، واکنش نسبت به فقر، اثرگذارتر از خود فقر است.

یافته بعدی این پژوهش وجود تفاوت معنادار بین رشد اعتقادی دختران و پسران بود. این یافته با یافته «خانه‌کشی» (۱۳۹۲) موافقت دارد. خانه‌کشی در تحقیقی که تحت عنوان «امکان تحلیل دین‌داری بر اساس شخصیت بررسی رابطه بین دین‌داری و هویت‌یابی دانشجویان دختر و پسر» انجام داد، نتیجه گرفته که بیشتر دانشجویان پسر به مقوله مذهب و عمل به آن ایمان قلبی دارند. از سوی دیگر، از بین ۱۴۰ دانشجوی دختر، ۱۱۰ نفر، یعنی ۷۸ درصد نمره‌هایی بالا در مقیاس دین‌داری به دست آورده‌اند که در مقایسه با آزمودنی‌های پسر، از پایداری بیشتر و اعتقاد راسخ‌تر زنان حکایت می‌کند (خانه‌کشی، ۱۳۹۲).

خانواده و مدرسه از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی مؤثر در رشد و تربیت دینی دانش‌آموزان به شمار می‌آیند و دانش‌آموزان در محیط خانواده به‌صورت مستقیم تحت تأثیر اعتقادات مذهبی والدین خود قرار دارند. در کنار خانواده مدرسه نیز به‌عنوان یک نهاد مهم نقش بسزایی در باروری اعتقادات مذهبی دانش‌آموزان دارد. به‌گونه‌ای که معلمان از طریق عملکرد مناسب خود در کلاس درس نگرش محصلان را نسبت به دین و به‌طور کلی زندگی و مسائل ناشی از آن تحت تأثیر قرار

1. Sullivan

می دهند و از این رهگذر نقش مؤثری در ایجاد نگرش های مثبت دینی در دانش آموزان ایفا می کنند. مدرسه می تواند با تقویت خودپنداره مثبت دانش آموزان در رشد اعتقادی آنها نیز مؤثر شود. تفاوت بین دختران و پسران در نگرش های مذهبی، یافته ای است که به طور مکرر و در پژوهش های متعدد مشاهده شده است، ولی با وجود این، در بعضی از پژوهش های داخلی این تفاوت به دست نیامده است (چراغی و موسوی، ۱۳۸۵). بعضی از محققان خاطرنشان کرده اند که ممکن است تفاوت دو جنس در نگرش های مذهبی، به مذهب خاص مورد مطالعه مربوط باشد. محققانی که از نظر نگرش دینی تفاوت معناداری بین دو جنس به دست نیاورند، معتقدند این تفاوت، ویژه فرهنگ های غربی است و در فرهنگ ما به دلایلی از جمله نفوذ بسیار زیاد و گسترده مذهب در همه اعصار مشاهده نمی شود، اما نکته مهمی را که باید درباره پژوهش هایی که در زمینه تفاوت های دو جنس در مورد مذهب انجام شده اند، بیان کرد، این است که حجم مطالعاتی که بین دو جنس در این زمینه تفاوت یافته اند، بسیار بیشتر از مطالعاتی است که چنین تفاوتی را نیافته اند (شریفی، ۱۳۸۱). از سوی دیگر، این یافته در بیشتر مذاهب و جوامع مورد مطالعه تکرار شده است. در واقع، این یافته، یعنی تفاوت زنان و مردان از نظر نگرش های مذهبی و بیشتر بودن گرایش زنان به مذهب، به قدری در مطالعات و بررسی های مختلف در فرهنگ ها، مذاهب و طبقات مختلف تکرار شده است که بعضی از مؤلفان این مسئله را امری جهانی تلقی کرده اند که در تفاوت های زیستی زنان و مردان ریشه دارد (استارک، ۲۰۰۲^۱).

پژوهش حاضر نیز به تفاوت بین رشد اعتقادی دختر و پسر دست یافت و متغیرهای مداخله گر مانند طبقه اجتماعی و هوش تحصیلی تا حدودی به وسیله هم‌تاسازی کنترل شد. شهروندی همان گونه که پیشتر نیز بیان شد یک فرایند مربوط به تمام عمر است و به همین جهت، همه افراد در تمام طول زندگی خود نیازمند آموزش های متناسب با شهروندی در مراحل گوناگون زندگی هستند.

آنچه مسلم است این است که رابطه دین داری و رفتارهای متناسب با هنجارهای اجتماعی دانش آموزان رابطه معناداری در پژوهش های متعدد داخلی تأیید شده است رفتار مناسب شهروندی نوعی رفتارهای هنجاری و قبول هنجارهای اجتماعی است، دین و خودپنداره مثبت می تواند در تربیت شهروندان سالم نقش داشته باشد و این موضوع می تواند در پژوهش های بعدی مورد مذاقه قرار گیرد. آموزش و پرورش باید به کودکان و نوجوانان کمک کند تا شهروندانی مسئول، مشارکت کنندگانی فعال در امور زندگی اجتماعی و فرهنگی، یادگیرندگانی موفق و علاقه مند و

1. Stark

افرادی متکی به خود و قابل اعتماد بار آیند. افرادی که نه تنها ارزش‌ها و ویژگی‌های مورد ستایش جامعه را دارا باشند، بلکه بتوانند در راستای بهسازی و ارتقای فرهنگ جامعه تلاش مؤثرتری را به نمایش گذارند، این امر از طریق تقویت خودپنداری و رشد اعتقادی امکان‌پذیر است.

همچنین این پژوهش نشان داد دانش‌آموزان رفتار مناسب شهروندی مناسب‌تری نسبت به پسران دارند، این امر متصدیان تعلیم و تربیت را در اتخاذ رفتار مناسب در مدرسه جهت تربیت شهروندی مناسب و کار ویژه روی پسران در حوزه دین‌داری و رفتار شهروندی را رهنمود می‌سازد.

به نظر می‌رسد محققان در آینده روی ارتباط خودپنداره و رشد اعتقادی و رفتار شهروندی تمرکز کنند و در این زمینه در داخل کشور پژوهش و تحقیقی انجام نشده است.

منابع

- احدی، حسن؛ محسنی، نیک‌چهره (۱۳۷۱)، روان‌شناسی رشد؛ مفاهیم بنیادی در روان‌شناسی نوجوانی و جوانی، تهران: انتشارات نشر بنیاد.
- اورنگی، عبدالمجید (۱۳۸۲)، «بررسی عوامل مؤثر در کم‌توجهی دانش‌آموزان دبیرستان‌های استان مرکزی نسبت به مسائل مذهبی».
- _____ (۱۳۸۲)، «بررسی عوامل مؤثر در کم‌توجهی دانش‌آموزان دبیرستان‌های استان مرکزی نسبت به مسائل مذهبی»، کتاب همایش آسیب‌شناسی تربیت دینی در آموزش و پرورش. بازرگان، زهرا (۱۳۷۶)، «یازده قدم در رشد اخلاقی کودکان»، پیوند، ش ۲۱۱، ص ۱۷-۲۶.
- برگر، پیتر؛ لاکمن؛ تومان (۱۳۷۵)، ساخت اجتماعی واقعیت، ترجمه فریبرز مجیدی، تهران: نشر مرکز.
- تابش، عبید (۱۳۹۱)، بررسی و مقایسه مفاهیم تربیت شهروندی در بین جوانان دانشجو و غیردانشجوی شهرستان بناب، دانشگاه پیام نور، پایان‌نامه کارشناسی.
- تقی‌زاده، محمداحسان (۱۳۷۹)، باد بی‌آرام نوجوانی، چاپ اول، اصفهان: انتشارات یکتا.
- چراغی، مونا؛ مولوی، حسین (۱۳۸۵)، «رابطه بین ابعاد مختلف دین‌داری و سلامت عمومی در دانشجویان دانشگاه اصفهان»، پژوهش‌های تربیتی و روان‌شناختی، س ۲، ش ۲، ص ۱-۲۲.
- حسن‌زاده، رمضان؛ سید حمزه حسینی، ذبیده مرادی (۱۳۸۴)، «بررسی رابطه بین خودپنداره کلی دانش‌آموزان و عملکرد تحصیلی آنها»، فصلنامه دانش و پژوهش در روان‌شناسی، س ۷، ش ۲۴، ص ۱۸-۲۴.
- حسن‌زاده، رمضان؛ حسینی، سید حمزه؛ مرادی، ذبیده (۱۳۸۴)، «بررسی رابطه بین خودپنداره کلی دانش‌آموزان و عملکرد تحصیلی آنها»، فصلنامه دانش و پژوهش در روان‌شناسی، س ۷، ش ۲۴.
- خانه‌کشی، علی (۱۳۸۷)، رابطه التزام عملی به اعتقادات مذهبی با سلامت روانی و هویت‌یابی دانشجویان دختر و پسر دانشگاه آزاد اسلامی واحد بهبهان، مقاله ارائه شده در همایش ملی روان‌شناسی و کاربرد آن در جامعه، مرودشت.
- خانه‌کشی، علی؛ پورنیک بختی؛ کبری (۱۳۸۸)، «امکان تحلیل دین‌داری بر اساس شخصیت بررسی رابطه بین دین‌داری و هویت‌یابی دانشجویان دختر و پسر»، مجموعه مقالات همایش تربیت دینی، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پرورشی امام خمینی علیه‌السلام.

- خلیلی، اکرم (۱۳۷۵)، بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر خودپنداره و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی.
- دورکیم، امیل (۱۳۸۱)، تقسیم کار اجتماعی، ترجمه باقر پرهام، تهران: مرکز. _____ (۱۳۸۳)، صور بنیانی حیات دینی، ترجمه باقر پرهام، تهران: مرکز.
- دیباچ‌نیا، پروین (۱۳۸۳)، «بررسی رابطه کارایی خانواده و خودپنداره در دانشجویان دانشکده توانبخشی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی تهران طی سال ۱۳۸۱»، مجله پژوهنده، س ۹، ش ۴۰، مهر و آبان ۲۳۷-۲۴۰.
- ریو، م. (۱۳۸۱)، انگیزش و هیجان، ترجمه سیدمحمدی. تهران: ویرایش.
- زارع، حسین؛ امین‌پور، حسن (۱۳۹۰)، آزمون‌های روان‌شناختی، تهران: انتشارات آبیژ.
- سامانی س. (۱۳۸۱)، بررسی علی همبستگی خانوادگی، استقلال عاطفی و سازگاری، رساله دکتری، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی شیراز.
- سلیمانی، هادی؛ ابهری، صدیقه (۱۳۹۳)، «موضع علم و ریالر آن درباره «خودپنداره» و حرمت «خود» و تأثیر آن بر سلامت جسم»، مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی زنجان، دوره ۲۲، ش ۹۰، ص ۱-۱۲.
- سراج‌زاده، حسین (۱۳۷۴)، «نگرش‌ها و رفتارهای دینی نوجوانان تهرانی و دلالت‌های آن برای نظریه سکولار شدن»، نمایه پژوهش، ش ۹ و ۱۰، ص ۱۰۵-۱۱۸.
- سهرابی، نادره؛ سامانی، سیامک (۱۳۸۰)، «بررسی میزان تأثیر نگرش مذهبی بر بهداشت روانی نوجوانان»، نقش دین و بهداشت روانی، تهران: دانشگاه علوم پزشکی تهران.
- شجاعی‌زند، علیرضا (بهار ۱۳۸۴)، «مدلی برای سنجش دین‌داری»، نامه جامعه‌شناسی ایران، دوره ۶، ش ۱.
- شریفی، طیبه (۱۳۸۱)، بررسی رابطه نگرش مذهبی با افسردگی، اضطراب، پرخاشگری، سلامت عمومی و شکیبایی در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز.
- طالبی، ابوتراب (۱۳۸۰)، بررسی تعارض بین ارزش‌های اخلاقی و مذهبی و کنش‌های اجتماعی، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.
- طالبان، محمدرضا (بهار و تابستان ۱۳۷۸)، «خانواده، دانشگاه و جامعه‌پذیری مذهبی»، نشریه نامه علوم اجتماعی، ش ۱۳، ص ۲۷-۵۴.
- کاوسیان، جواد و پروین کدیور (۱۳۸۴)، «نقش برخی عوامل خانوادگی در خودپنداره خانوادگی دانش‌آموزان دبیرستانی»، رفاه اجتماعی، ش ۱۹، ص ۹۱-۱۱۲.

- کاظمی، احسان؛ نوری؛ ابوالقاسم؛ آذر، قلی‌زاده (۱۳۸۲)، «بررسی رابطه بین خودپنداره و سازگاری اجتماعی»، دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی، ش ۱۷، ص ۱۰۱-۱۱۸.
- مجدیان، محمد (۱۳۸۰)، بررسی نگرش مذهبی دانشجویان ورودی به دانشگاه تربیت معلم و رابطه آن با میزان عزت نفس و منبع کنترل، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۱)، تعلیم و تربیت در اسلام، چاپ بیستم، قم: انتشارات صدرا.
- نجفی، محمود (۱۳۸۲)، بررسی رابطه کارایی خانواده و دین‌داری با بحران هویت دانش‌آموزان دختر و پسر پایه سوم متوسطه شهر تهران در سال تحصیلی ۸۱-۸۲، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی تهران.
- یوآخیم؛ واخ (۱۳۸۰)، جامعه‌شناسی دین، ترجمه جمشید آزادگان، چاپ اول، تهران: سمت.
- وزیری، مژده؛ جهانی، شیدا (۱۳۸۵)، «مهارت‌های شهروندی مورد نیاز دانش‌آموزان»، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، ش ۵، ص ۱۷.
- وزیری، مژده؛ جهانی؛ شیدا (۱۳۸۵)، «مهارت‌های شهروندی مورد نیاز دانش‌آموزان دبستان‌های شهر زلزله زده بم»، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، ش ۱۷، ص ۱۶۳-۱۸۲.
- Alfeld, L.C., & Sigelman, C.K. (1998), Sex differences in self-concept and symptoms of depression during the transition to college. *Journal of Youth and Adolescence*, 27 (2), 44-219.
- Appleton, P. L., Ellis, N.C., Minchom, P.E., Lawson, V., Boll, V., & Jones, P. (1997), Depressive symptoms and self-concept in youth people with spina bifida. *Journal of Pediatric Psychology*, 22 (5), 22-707.
- Beti-Hallahme, B. & Argyle, M, (1997), *The Psychology of Religious Behavior, Belief and Experience*, New York, Routledge.
- Dr. George Vaillant, Janice Templeton, PhD, Monika Ardel, PhD, and Stephanie E Meyer, PhD, (2008), "The natural history of male mental health: Health and religious involvement", *Journal of Social Science & Medicine*, v 66, p 221.
- Ohannessian, C. M., Lerner, R. M., Von-Eye, A., & Lerner, J.V. (1996), *Family and Consumer Science Research Journal*, 25, 83-159.
- Stark, R, (2002), Physiology and faith: Addressing the universal gender difference in religious commitment. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 41, P495-507.
- Sullivan, A. (2006a), "Academic self-concept, Gender and Single-sex Schooling in the 1970 Cohort", *CLS Working Paper*, London: Centre for Longitudinal Studies, 2.